

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۰۷ چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۰، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۱

۲ . مصطفی هجری: کاک عثمان مصطفی پور مکتبی برای یادگیری

۲ . اطلاعیه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان در رابطه با شهادت «عثمان مصطفی پور»

۳ . جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولانیک ایران فدرال: در سایه ترور رهبران کورد حمایت خود را از مبارزات بر حق ملت کورد اعلام می‌کنیم

www.kurdistanmedia.com



روحانیون در کمین قدرت

۷



توهمی به نام
اصلاح‌طلبی!

۶



چه کسانی مسئولان اصلی
ترورها بودند؟

۵



حزب دمکرات:
بعد از گذشت ۲۹ سال
از ترور «میکونوس»
شاهد هستیم که ...

۴

سخن
فروپاشی
امنیتی
کریم پرویزی

هجوم انتحاری، خودکشی سیاسی رژیم بود

با پهادهای انتحاری خود به ارتفاعات و کوهستان‌های کوردستان حمله برده و زندگی و خانه و کاشانه مردم مدنی را ویران کردند و جنگل، مراتع و باغ‌های این مناطق را به آتش کشیدند و سر مست و غرق در توهم پیروزی شدند! در این حمله که روز ۱۸ شهریور ۱۴۰۰، سپاه پاسداران با استفاده از جنگنده، پهادهای انتحاری، کاتیوشا و توپ علیه کوردستان به بهانه حضور پیشمرگان کوردستان در این مناطق انجام داد و همچنان که رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح رژیم گفته، آنها نگران اجتماع، کنگره و برنامه‌های نیروی پیشمرگ کوردستان هستند و این نیز بهانه‌ای برای حملات غیرقانونی و مستبدانه رژیم به خاک کشوری دیگر بوده است.

نیروهای سپاه در حالی که به دور جنگل‌های درحال سوختن کوردستان، مسرور از توهم مشغول پایکوبی بودند و در خیال خود کوردستان را به خاکستر تبدیل کردند، اما با تلنگری حتما به یادشان می‌آید که نیروهای نظامی و اسلحه‌هایشان فقط قادرند که سینه مردم مدنی تهیدست را همچنانکه در دزفول و بوشهر و ... مرتکب شدند، هدف قرار دهند. خوب می‌دانند که سنگر کوردستان قابل مقایسه با دیگر مناطق ایران نبوده و نیست و توان درگیری مستقیم با فرزندان مبارز کورد را ندارند برای همین بود که با استفاده از پهادهای انتحاری کوهستان و ارتفاعات کوردستان را به بهانه وجود پیشمرگان هدف قرار دادند.

فارغ از چگونگی انجام اقدامات یانگیرانه و تبلیغات بی اساسشان، دو مسئله خیلی مهم به



شکست دوباره هیمنه امنیتی رژیم؛ با وجود برخورداری رژیم از منابع قدرت اما مسئله این جا است که با وجود این همه امکانات، به اعتراف فرماندهان و سران رژیم حضور چند پیشمرگ می‌تواند امنیت پوشالیشان را بر باد دهد. حملات اخیر نیز حاوی پیامی روشن بود برای همه ملت کورد که رژیم ایران دشمن و مانع اصلی بر سر راه آزادی کورد و کوردستان بوده و هست و این رژیم در کلیات خود با منافع کوردها در بخش کوردستان در تضاد و هر جا که روزنه‌ای از امید برای کوردها باز شده درصدد بوده تا چراغ امید را خاموش کند.

پشتیوانی - پیشمرگه # stop iran attack Kurdistan. حملات رژیم تهران را محکوم کردند. موضع دیاسپورای کورد؛ به مناسبت حمایت از نیروی پیشمرگ کوردستان و محکومیت اقدامات مستبدانه رژیم ایران، کوردهای دیاسپورا دست به یک سری اعتراضات در کشورهای مختلف همچون؛ سوئد، نروژ، سوئیس، اتریش و آلمان زدند. موضع کوردهای ایران؛ شمار زیادی از شخصیت‌های فرهنگی، آیینی و ... کوردستان ایران حملات اخیر رژیم را محکوم و حمایت بی‌دریغ خود را از نیروی پیشمرگ کوردستان اعلام کردند.

و پهادهای انتحاری آنان نشوند. واکنش سریع مسئولان محلی حکومت اقلیم کوردستان؛ در اولین واکنش نسبت به حملات رژیم به خاک و ملت کورد، مسئولان محلی اقلیم کوردستان اعلام کردند که هیچ نیروی از احزاب کورد اپوزیسیون رژیم در این مناطق حضور نداشته و هدف رژیم برهم زدن امنیت و ثبات اقلیم است. حمایت گسترده روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و شاعران کوردستانی؛ بعد از حمله و بیمارارن ارتفاعات کوردستان از سوی رژیم ایران، مجموعه‌ای از نویسندگان، روشنفکران، هنرمندان و شاعران کورد با هشتک‌های تحت عنوان: # روزه‌لات تهنیا نییه #

رژیم ایران اعلام کردند: «در پی حملات اخیر رژیم به مواضع حزب دموکرات کوردستان ایران، خوشبختانه هیچ یک از پیشمرگان کوردستان آسیبی ندیدند». در این حملات که رژیم از پهباد انتحاری نیز برای اولین بار علیه کورد و کوردستان استفاده کرده، نیروی پیشمرگ کوردستان موفق به ساقط کردن چند فروند از آنها شدند. همچنین فرماندهان رژیم در راستای جنگ روانی که علیه ملت کورد راه انداخته بودند از مردم اقلیم کوردستان خواسته بودند که از مقرات و مراکز احزاب کورد اپوزیسیون رژیم فاصله گرفته تا به گفته خودشان طعمه آتش موشک

سپیده دم روز پنجشنبه ۱۸ شهریور، ساعت ۶ صبح، رژیم ایران به بهانه حضور پیشمرگان کوردستان ارتفاعات اقلیم کوردستان را مورد حمله قرار داد و این حملات برای چند روز ادامه داشت. بر اساس اطلاعات بدست آمده، رژیم ایران در این حملات از جنگنده‌های نظامی، پهباد انتحاری، پهادهای ویژه تجسس و جاسوسی و آتش توپخانه برای برهم زدن امنیت اقلیم کوردستان استفاده کرده است. مناطقی که مورد حمله رژیم قرار گرفتند، «سیدکان، بریزین، چومان و حاجی عمران» بودند. «کاوه بهرامی»، مسئول دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگ کوردستان نسبت به این حملات

مصطفی هجری: کاک عثمان مصطفی پور مکتبی برای یادگیری



از دست دادنشان هستیم و مراتب تسلیت خود را به همسنگران و به ویژه خانواده سربلندشان اعلام می‌داریم و با ادامه راه پر افتخارشان با ملت کورد در کردستان ایران تجدید میثاق می‌کنیم و تا رسیدن به آرمان‌های ملتمان همچنان پیشمرگه کردستان باشیم.

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد
حزب دمکرات کردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۱۶ شهریور ۱۴۰۰ خورشیدی

سنگرهای محکم مبارزان رساند و به عنوان پیشمرگه به مبارزات خود ادامه داد و به آرزو همیشگی خود رسید. اما با نهایت تأسف و تأثر، بیماری کرونا بیش از این به ایشان فرست نداد تا به حزب و ملتش بیشتر خدمت کند. کاک «عثمان مصطفی پور» با زندگی پر شرف خود و با اراده ستودنی و وفا و حب بی پایانش به ملت کورد، مدرسه‌ای هستند برای رهروان جریان مبارزات بر حق ملت کورد و اثبات کردند که ملتی که دارای این چنین فرزندی باشد، پیروزی حتمی است. ما همسنگران و هم فکرنان شهید «عثمان مصطفی پور»، سوگوار

شهید «عثمان مصطفی پور» به درازای چندین سال مبارزه و در مدت ۲۸ سال ایستادگی در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر همه نوع شکنجه جسمی و روانی، همچنان مصرانه به آرمان‌های انقلابی حزب دمکرات پایبند و سربلندانه در مقابل حاکمان خونخواه تهران ایستادگی کرد. امید به آزادی از زندان و بازگشت به صفوف مبارزاتی حزب، مشوقی بود که ایشان را روزبه‌روز امیدوارتر کرده بود، همین بود که بعد از گذشت مدت زمانی کوتاه از آزادی از زندان، روز ۷ خرداد ۱۳۹۹ خورشیدی، خود را به

«مصطفی هجری» مسئول اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران در ارتباط با شهادت کاک «عثمان مصطفی پور» پیامی را منتشر کردند.

متن پیام این چنین است:
پیام تسلیت در رابطه با شهادت کاک عثمان مصطفی پور

کاک «عثمان مصطفی پور» قهرمان زندان‌های مخوف رژیم ایران، امروز سه‌شنبه ۱۶ شهریور، دل بزرگ و پر از آرزویش از طپش افتاده و صفوف مبارزاتی را به همسنگران در حزب دمکرات کردستان ایران سپرد.

اطلاعیه دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان در رابطه با شهادت «عثمان مصطفی پور»

و شاخص تبدیل کرده بود و به نحوی که نام ایشان شده بود رمز مقاومت و ایستادگی. رفیق مبارز بعد از بازگشت به صفوف مبارزان دمکرات با اراده‌ای ستودنی مبارزات خود را ادامه داد. به همین مناسبت از سوی دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان پله کادر نظامی را دریافت کردند و در دستگاه تشکیلات کل حزب دمکرات کردستان ایران سازماندهی شدند و وظایف خود را نیز در این ارگان حزب به بهترین نحوه ممکن به انجام می‌رساندند.

روح و روان شهید «عثمان مصطفی پور» شاد و راهش پر رهرو
دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان
۱۶ شهریور ۱۴۰۰ خورشیدی

ماموریتی به نیروی «آگری» رفته و در سال ۱۳۷۰ در حال برگشت از انجام ماموریتی در شهرستان «ارومیه» به کمین نیروهای دشمن افتاده و بعد از درگیری سخت و دفاعی قهرمانانه، متأسفانه ایشان اسیر شده و بعد از ۲۸ سال مقاومت و ایستادگی در مقابل جلاخان و شکنجه‌گران جمهوری اسلامی ایران به صفوف مبارزات حزب دمکرات برگشتند و تا لحظه شهادت نیز جدیتر و تلاشگرتر از پیش وظایف حزبی و میهنی خود را با همه توان انجام می‌دادند. همسنگر مبارز «عثمان مصطفی پور» پیشمرگه‌ای دارای اراده و متعهد به آرمان‌های ملت خود بود. ویژگی‌های انقلابی و پیگیری که داشتند ایشان را در مدتی که در زندان‌های مخوف رژیم ایران بودند، به چهره‌ای برجسته

«کاسه‌کهران» منطقه «پیران پیرانشهر» است. وی در سن ۷ سالی به مدرسه رفت و تا کلاس سوم راهنمایی ادامه به تحصیل دادند. رفیق مبارز به علت نبود امکانات، همچون بسیاری از کودکان کردستان مجبور به ترک تحصیل شده و دوشادوش خانواده کار کرده تا به خانواده خود کمک کند. بعد از فروپاشی نظامی سلطنتی و بر سر کار آمدن رژیم خمینی که دیری نباید ملت کورد ماهیت آن را شناخت؛ شهید «عثمان» به دنبال اعلام مبارزه علنی دوباره حزب و شروع مبارزات نوین حزب، در سال ۱۳۶۴ به صفوف مبارزاتی حزب دمکرات کردستان ایران می‌پیوندید و در نیروی فتدیل سازماندهی می‌شوند. رفیق مبارز «عثمان مصطفی پور» در سال ۱۳۶۷ برای انجام

دستگاه فرماندهی نیروی پیشمرگه کردستان در رابطه با شهادت «عثمان مصطفی پور» با انتشار اطلاعیه‌ای بیان کرد شهادت ایشان ضایعه بزرگی بود و موجب غم و اندوه همسنگران و همه آزادی‌خواهان ملت کورد شد.

متن اطلاعیه این چنین است:
با نهایت تأسف و تأثر اعلام می‌داریم که میهن دوست سرزمینمان، مبارز نامی حزب و پیشمرگه روزهای سخت مبارزه، همسنگر «عثمان مصطفی پور» سپیده دم ۱۶ شهریور ۱۴۰۰، به علت ابتلا به ویروس کرونا در یکی از بیمارستان‌های اقلیم کردستان چشم از جهان فرو بست.
همسنگر «عثمان مصطفی پور» فرزند «حسین» متولد ۱۳۴۶ خورشیدی در روستای



سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران حملات سپاه تروریست پاسداران را علیه مقرات حزب دمکرات را محکوم کردند

و به هر شکلی سبانه پیش خواهد برد. ضمن محکوم کردن بمباران و تروریسم دولتی علیه احزاب کردستان ایران، ما ائتلافی احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی از مجامع بین‌المللی، بخصوص نهادهای حقوق بشری می‌خواهیم که سرکوب مردم ایران را محکوم کنند و مانع از نقض سیستماتیک حقوق بشر و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی بشوند.

کنگره ملیتهای ایران فدرال شورای دمکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
جمعه ۱۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱

داد که سیاست حکومت اسلامی برای پاسخگونی به خواسته‌های حقیقت‌طلبانه مردم، چیزی جز سرکوب و زندان و گلوله نخواهد بود. در تداوم همین سیاست است که فرمانده سپاه پاسداران تهدید می‌کند و سپاه پاسداران دست به بمباران مراکز احزاب کردستان ایران می‌زند. در شرایط کنونی جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت و عدم پشتیبانی اکثریت مردم ایران روبروست این شرایط وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی را در مرادفات خارجی و شرکت در مجامع بین‌المللی دچار بحران کرده است. سرکوب، زندان و اعدام مخالفین تنها راه ماندگاری این نظام است، که با هر امکانی

و بمبارانهای سپاه پاسداران کشته و مجروح شده اند. حملات روزهای اخیر سپاه پاسداران به اقلیم کردستان در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه مردم زحمتکش کردستان و برای ایجاد رعب و وحشت، برای مقابله با اعتصابات و اعتراضات کارگری، جنبشهای مردمی و خیزش‌های مردم در گوشه و کنار ایران و همچنین سرپوش گذاشتن بر بحرانهای اقتصادی - اجتماعی و عمیق‌تر شدن بحران سیاسی رژیم است. انتخابات فرمایشی - نمایشی ریاست جمهوری اخیر و بر صندلی نشستن ابراهیم رئیسی، جلا دین و گورهدشت، و ترکیب هیات دولت منتصب خامنه ای نشان

تلاشهای رژیم برای دستیابی به سلاح موشکی و پهبادی بیش از هر چیز برای استفاده در داخل و سطح منطقه، علیه مردم بوده است. در روز ۱۸ دی ۱۳۹۸ با استفاده از موشک به یک هواپیمای مسافربری حمله‌ور شد و حال در ۱۸ شهریور ۱۴۰۰ با استفاده از پهباد به مراکز مقاومت مردم ایران حمله کرده است. این اولین باری نیست که اردوگاههای نیروهای اپوزیسیون در کردستان عراق و مردم منطقه توسط نیروهای نظامی رژیم بمباران می‌شود و آخرین بار هم نخواهد بود. تا کنون صدها تن از مسئولین و کادرهای احزاب مخالف حکومت در کردستان عراق در جریان عملیات تروریستی

پوشاندن واقعیت‌های داخلی ایران دست به ایجاد بحران می‌زند. در راستای رفتار بحران ساز این رژیم جنایتکار، بار دیگر سپاه پاسداران اقدام به حمله به مراکز احزاب کردستان ایران در ارتفاعات «هلگورد»، «برزین» و «آلان» در داخل خاک اقلیم کردستان در عراق زده است. حمله مذکور روز ۱۸ شهریور راس ساعت ۶ صبح به وقت ایران توسط ۶ پهباد آغاز شد و سپس توپخانه‌های سپاه پاسداران این مناطق را گلوله باران کردند. خوشبختانه این حمله پهبادی و بمباران در پی آن خسارتی انسانی در پی نداشته است، ولی مزارع و باغ‌های مردم ساکن این منطقه دچار آتش سوزی شده و خسارت فراوان دیده اند.

روز جمعه ۱۹ شهریور ۱۴۰۰، سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران «کنگره ملیتهای ایران فدرال، شورای دمکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران با صدور بیانیه‌ای حملات اخیر سپاه تروریست پاسداران را به مراکز و مقرات حزب دمکرات کردستان ایران را محکوم کردند.

متن بیانیه این چنین است:
هموطنان گرامی مجامع بین المللی
سیستم جنایتکار جمهوری اسلامی ذاتا سیستمی بحران ساز است و بر همه نمایان است که این رژیم در ۴۲ سال گذشته مردمان ایران را به گروگان گرفته و روزانه برای



تحت تحریم‌های شدید می‌باشد و این کشورها چگونه توانسته‌اند به ایران این قطعات را صادر کنند.

اعتراض شدید روابط بین المللی حزب دمکرات به کشورهای آمریکا، بریتانیا، چین و لهستان

و جنگ علیه کوردستان به شدت محکوم کرد. در این نامه اعتراضی از کشورهای مذکور خواستار شده که به طور جدی این موضوع را پیگیری نمایند چرا که رژیم ایران

کشورها ضمن بحث از حملات و تجاوز سپاه تروریستی پاسداران به مقرات احزاب کوردستان ایران و خسارت دیدگی مردم مردنی از این حملات، دستیابی رژیم ایران را به قطعات ساخت این پهپادها

پاسداران رژیم ایران برای حمله به کوردستان مورد استفاده قرار خود داده است. در این رابطه روابط بین المللی حزب دمکرات طی نامه‌ای اعتراضی به وزارتخانه این

کوردستان چندین پهپاد انتحاری رژیم ایران را ساقط کرد، قطعات ساخت این پهپادها حاکی از آن بود که این پهپادها از سوی کشورهای آمریکا، بریتانیا، چین و مجارستان ساخته شده و سپاه

روابط بین المللی حزب دمکرات کوردستان ایران نامه‌ای اعتراضی و جدی به وزارتخانه کشورهای آمریکا، بریتانیا، چین و لهستان فرستاد. بعد از آنکه نیروی پیشمرگه

اطلاعیه سه شکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران به مناسبت سالروز ترور «میکونوس»



ادامه سخن

در توطئه اخیر رژیم کلونیالیستی تهران علیه کوردستان قابل اشاره توجهند: نخست، اعتراف کردند که درون سپاه تروریست پاسداران واحدی ویژه را برای پهپادهای انتحاری تاسیس و نخستین کارآزمایی خود را نیز علیه کورد و کوردستان انجام دادند. این اعترافی رسمی است از سوی رژیم چراکه به گفته خودشان علیه کسانی که آنان را دشمن خود خوانده، طی اقدامی انتحاری و از راه دور و بدون اطلاع از نتیجه کار، آنان را مورد حمله انتحاری و تروریستی قرار دادند!

دوم، مسئله مهم امنیت است. رژیمی که سالانه ده‌ها میلیارد دلار از ثروت و سامان کشور را که بایستی برای آبادانی و بهداشت و ایجاد اشتغال و بهبود رفاه اجتماعی هزینه می‌کرد را به سپاه تروریست پاسداران و گروه‌های تروریستی وابسته تخصیص داده و ده‌ها هزار نیروی سرکوبگر و ده‌ها هزار جاسوس و سازمان‌های پیچیده و وسیع را برای ایجاد رعب و وحشت و جاسوسی از مردم ایران و ملیت‌های تحت ستم به کار گماشته، اما به گفته سران بلند پایه رژیم و فرماندهان ارشد نظامی و سپاه پاسداران و نیروهای مسلح رژیم، حضور تیمی چند کسی از نیروی پیشمرگ کوردستان در ارتفاعات کوردستان، تمامی سیستم و دستگاه ولایت فقیه به لرزه در آمده و امنیت پوشالیشان بر باد رفته است!

این موضوعی بسیار بااهمیت است که خود رژیم نیز بدان اعتراف کرده است و نشان می‌دهد که هر سیستم دیکتاتور هر چقدر هم درنده و مهجربه سلاح نیز باشد و حتی سلاح هسته‌ای هم در اختیار و علیه مردم آن سرزمین به کار ببرد، باز هم در مقابل شعارهای دادخواهی یک جوان و حضور تیمی از پیشمرگان کوردستان، آن هیبت و امنیت پوشالیش بر باد رفته و خواب آرام را از چشمان رهبر، فرماندهان و مسئولان تروریست آن رژیم می‌زداید!

این چنین سیستم و رژیمی مطمئناً در زمانی نه چندان دور و با آسانترین شیوه فرو خواهد پاشید و به بخشی از تاریخ شوم این سرزمین تبدیل خواهد شد و فرماندهان و سران رژیم نیز زیر کفش‌های کودکان ملیت‌های ستمدیدی ایران سر تعظیم فرو خواهند آورد.

ما بار دیگر انزجار خود از تروریسم دولتی و سیستم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌داریم و بار دگر با اعلام همبستگی خود با همه صفوف حزب دمکرات، یاد دکتر شرفکندی، کاک فتاح عبدلی، کاک همایون اردلان و آقای نوری دهکردی را گرامی می‌داریم و استوار و مصمم در راه تحقق اهداف عدالت‌خواهانه آنان، و با گرامیداشت خاطره‌ی همه قربانیان ترورهای دولتی، یقین داریم که باز هم ما شاهد محکومیت آمران و عاملان تروریسم و جنایات جمهوری اسلامی ایران در دادگاه‌های صالح خواهیم بود

کنگره ملیت‌های ایران فدرال شورای دمکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران پنجمین ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱

جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایت ایران فدرال: در سالیاد ترور رهبران کورد حمایت خود را از مبارزات بر حق ملت کورد اعلام می‌کنیم

گسترده تری در راه براندازی نظام جمهوری اسلامی دست پیدا کرد و به خواست های دموکراتیک آزادی خواهانه و عدالت جویانه مردمان ایران تحقق بخشید.

همراهان و همکاران گرامی! جنبش جمهوری خواهان دمکرات ولایت ایران فدرال با قاطعیت سیاست ترور و سرکوب رژیم مذهبی فاشیستی جمهوری اسلامی را محکوم کرده و با بزرگداشت یاد جانباختگان راه آزادی و برابری یادمان دکتر شرفکندی و همراهان را گرامی می‌دارد. ما بر این باوریم که پیوند و همبستگی ما ضامن ادامه راه مبارزات این جانباختگان در جهت تحقق جمهوری، دموکراسی وجدانی دولت‌دین در چارچوب ساختاری غیر متمرکز و فدرالی است.

یادشان گرامی و راهشان پررهورو باد سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایت ایران فدرال یازده ماه سپتامبر ۲۰۲۱

بود. دکتر شرفکندی با درایت کافی نشان داد که مقاومت ملت کرد در کوردستان ایران استوارتر از آنچه که سران رژیم به عبث می‌پنداشتند میباشد و در عین حال از تلاش برای نزدیکی هرچه بیشتر نیروهای سیاسی با یکدیگر باز نایستاد و تا حد امکان در میان اپوزیسیون برای به انسجام در آوردن مبارزات همه جانبه علیه رژیم حاکم و پی ریزی بنیان‌های همگرایی در راه برقراری نظامی دموکراتیک تلاش ورزید. امروزه شاهد آن هستیم که همه صفوف حزب دمکرات نه تنها قاطعانه در راه تحقق اهداف خود مبارزه میکنند، بلکه از همراهی و ائتلاف با نیروهای از جنبش‌های درون دیگر ملیت‌ها و نیز جنبش دموکراتیک و عدالت‌خواهانه در سراسر ایران، برخوردار بوده که به زعم ما پاداشی برای تلاش‌های دکتر شرفکندی در این زمینه میباشد.

را با مشکلات جدی دیپلماتیک مواجه ساخت، بلکه حکم دادگاه «میکونوس» به عنوان یک پیروزی قاطع برای مقاومت و مبارزه و دادخواهی علیه رژیم اسلامی به شمار رفته و می‌رود. زنده یاد دکتر شرفکندی علاوه بر دارا بودن خصوصیات یک رهبر عملی، و توانائی و شایستگی معین به عنوان یکی از رهبران جنبش ملی - دموکراتیک در کوردستان، جانشین بایسته زنده یاد قاسملو شده بود که کمی بیش از سه سال قبل تر توسط دیپلمات - تروریست‌های حکومت اسلامی و آنهم بر سر میز مذاکره به قتل رسیده بود. در فقدان دکتر قاسملو، حفظ و بقا و ماندگاری و نیز گسترش آنچه که از او به جا مانده بود امری حیاتی بود چرا که حکومت اسلامی، تضعیف و نابودی مقاومت در کوردستان را از طریق حذف رهبران آن هدف قرار داده

اردلان نماینده آلمان و آقای نوری دهکردی از دوستان این حزب صورت گرفت و طی آن به قتل رسیدند. پس از دستگیری متهمان اصلی این ترور، به یمن دادگاهی که به خاطر محل ترور، یعنی رستوران «میکونوس» که محل دیدار دکتر شرفکندی و همراهان و دوستان بود به همین نام معروف شده است، از طرف و به همت مقامات قضائی مستقل کشور آلمان، ضمن صدور احکامی برای تروریست‌های دستگیر شده و متهمین، مسئولیت محرز مقامات بلند پایه رژیم از رئیس جمهور و وزرای اطلاعات و خارجه گرفته تا شخص ولی فقیه نمایان شد. این امر نه تنها وجهه رژیم را در میان جریان‌ات و یا دولت‌هایی که هنوز به ماهیت تروریستی آن پی نبرده بودند و یا آن را لاپوشانی میکردند، آسیب جدی وارد کرد و مدت‌ها رژیم ایران و سران آنها

سه شکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران طی اطلاعیه‌ای در سالروز ترور دکتر شرفکندی و همراهانش، این عمل تروریستی رژیم ایران را محکوم کردند.

متن اطلاعیه به شرح زیر است: بیست و نهمین سالگرد ترور دکتر صادق شرفکندی و یارانش

بیست و نه سال پیش در تاریخ ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۷۱ - ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، دست ترور و جنایت رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی از آستین نیروهای اطلاعاتی و آدمکش آن در برلین و در رستورانی به نام «میکونوس» در آمد! طی تهاجمی مرگبار و سبعانه، ترور دکتر سعید شرفکندی دبیرکل وقت حزب دمکرات کوردستان ایران به همراه کاک فتاح عبدلی نماینده این حزب در خارج از کشور و کاک همایون

عدالت طلبی مردمان ایران و به ویژه مردم کوردستان بر پایه میراث مدرن دکتر قاسملو در حزب دموکرات کوردستان ایران در راستای دست یافتن به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در ایران، ضربه ای جبران ناپذیر بود. حاکمیت مذهبی بنا به ماهیت ضد دموکراتیک و تبعیض خواهانه اش از آغاز به قدرت رسیدن با جنبش های متنوع آزادی خواهی و برابری طلبی مردمان ایران و نیروهای مدافع این جنبش ها به ویژه در کوردستان به عنوان کانون ایستادگی و مقاومت و همچنین پناهگاه بیکارگران آزادی و برابری در جنگ و ستیز بوده و هست و از این طریق گامی مشترک در جهت اهداف دموکراسی طلبی و آزادی خواهی بردارد. بی شک از دست دادن دکتر شرفکندی و همراهانش در وحله نخست برای یاران و بستگان آنها و همچنین اپوزیسیون مترقی رویدادی جانسوز و دردناک بود و هست. نبود کادرهای ارزنده و فرهیخته ای همچون دکتر شرفکندی در پیشبرد دست آوردهای جنبش جمهوری خواهی دموکراسی و در پیشاپیش آنها احزاب و سازمان

می‌کرد، جان باختند. تلاش ها و همکاری های دادخواهانه نیروهای دموکرات و آزادیخواه اپوزیسیون با پشتیبانی افراد و سازمان های مترقی خارجی توانست در این فرصت سیاست های تروریستی حاکمیت جنایتکار جمهوری اسلامی را علیه مخالفان برون مرزی افشا کند و با اتکا به محکوم شدن جنایتکاران اعزامی در دادگاه های مستقل آلمان ماهیت فاشیستی نظام حاکم در ایران را در افکار عمومی بشناساند و برای مدتی مانع از ادامه حذف فیزیکی مخالفان در اروپا شود و از این طریق گامی مشترک در جهت اهداف دموکراسی طلبی و آزادی خواهی بردارد. بی شک از دست دادن دکتر شرفکندی و همراهانش در وحله نخست برای یاران و بستگان آنها و همچنین اپوزیسیون مترقی رویدادی جانسوز و دردناک بود و هست. نبود کادرهای ارزنده و فرهیخته ای همچون دکتر شرفکندی در پیشبرد دست آوردهای جنبش جمهوری خواهی دموکراسی و در

جنبش جمهوری خواهان دموکرات ولایت ایران فدرال طی پیامی به حزب دمکرات کوردستان ایران، ضمن یاد از شهیدان «میکونوس» اقدامات تروریستی رژیم ایران را محکوم و حمایت خود را از مبارزات ملت کورد اعلام کردند.

متن پیام این چنین است: پیام به حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت سالگرد ترور رهبران حزب دمکرات در برلین همراهان گرامی اعضای محترم حزب دمکرات کوردستان ایران

با سر رسیدن روز ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ از یورش مرگبار مزدوران رژیم اسلامی حاکم بر ایران به محل دیدار رهبران کرد در رستوران میکونوس ۲۹ سال می‌گذرد. در این حمله که به فرمان سران رسمی جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمد کاک همایون اردلان، کاک فتاح عبدلی، کاک نوری دهکردی و کاک دکتر صادق شرفکندی که پس از ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو در سال ۱۹۸۹ به عنوان دبیر کل منتخب حزب دموکرات کوردستان ایران فعالیت

حزب دمکرات: بعد از گذشت ۲۹ سال از ترور «میکونوس» شاهد هستیم که دستگاه ترور و سرکوب رژیم ایران همچنان فعال است



این ترور از سوی یک کمیته عالی رژیم به نام «کمیته عملیات ویژه» متشکل از مقامات ارشد رژیم طرح ریزی شده بود. اعضا این کمیته عبارت بودند از: علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران، هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه، علی فلاحیان وزیر اطلاعات و فرمانده سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران. دادگاه «میکونوس» در ۲۸م اکتبر سال ۱۹۹۳ میلادی آغاز بکار کرد و در مورخ ۱۱۰م آوریل سال ۱۹۹۷ میلادی رای خود را در رابطه با این ترور اعلام کرد. در حکم نهایی دادگاه اشاره به عاملان این ترور شده بود که همان افراد عضو «کمیته عملیات ویژه» بودند. بعد از اعلام حکم دادگاه، کشورهای اروپایی سفرای خود را از ایران فراخواندند و این اقدام تروریستی را محکوم کردند. رژیم اسلامی ایران که در ترور «وین» موفق شده بود بوسیله تهدید و ارباب و قطع رابطه بازرگانی دولت وقت «اتریش» را تحت فشار قرار داده بود که جلوی تشکیل دادگاه برای دیپلمات تروریست‌ها را بگیرد، با همان تاکتیک می‌خواست جلوی جریان دادگاهی «میکونوس» را بگیرد و خود و تروریست‌ها را نجات دهد. اما خوشبختانه اراده دستگاه قضایی آلمان و به ویژه اراده قاضی‌های آلمانی برای حفظ استقلال دستگاه قضایی کشور خود بر فشار و تهدیدهای رژیم اسلامی ایران فائق آمد و دادگاه وظیفه قانونی خود را عملی کرد. اکنون در ۲۹امین سالروز ترور «میکونوس» شاهد هستیم که دستگاه ترور و سرکوب رژیم ایران همچنان فعال بوده و رژیم طی مدت چند ماه گذشته چند اقدام تروریستی علیه مبارزان راه آزادی در کوردستان عراق انجام داده است که بارزترین آن ترور شهید کاک «موسی باباخانی» از مبارزان دمکرات میباشد.

در اروپا نیز چندین نقشه تروریستی رژیم خنثی شده است و در چند کشور نیز برای مثال «بلژیک» و سوئد» تروریست‌های رژیم اسلامی ایران به زندان محکوم شده‌اند. فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران «محمد پاکپور» و سایر مهره‌های رژیم بدون هیچ پایبندی به قوانین بین‌المللی به تهدید و ادامه توپباران و بمباران مواضع احزاب کردستانی تاکید می‌ورزند. جهان منفع‌طلب نیز برای حفظ منافع خویش در مقابل این تهدیدات و قانون شکنی‌های رژیم ایران ساکت و نظاره‌گر است. در ادامه این سیاست، رژیم در روز مورخ ۱۸ شهریورماه با پهنادهای انتحاری و توپخانه به مقرات نیروی پیشمرگه در کوه‌های کوردستان حمله کرد که خوشبختانه ضرر و تلفات جانی برای نیروی پیشمرگه

شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت سالروز ترور «میکونوس» طی اطلاعیه‌ای منتشر کرده است اگر بخواهیم درس‌های دکتر قاسملوی رهبر را در یک درس خلاصه کنیم این است که باید به نیرو و توانایی‌های خود متکی باشیم. او به ما یادآوری می‌کند که به اراده خویش تکیه کنیم و متحد باشیم.

متن اطلاعیه بدین شرح است:
اطلاعیه شورای سیاستگذاری حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۲۹امین سالروز ترور «میکونوس»
ملتهای شرفتمند ایران!
مردم آزادیخواه کوردستان!
کادرها، پیشمرگان و اعضا مبارز حزب دمکرات!

۳۲ سال پیش زمانی که تروریست‌های رژیم ایران بر سر میز به نام مذاکره دکتر عبدالرحمان قاسملو را ترور کردند؛ دکتر صادق شرفکندی ملقب به دکتر «سعید» با درایت و کاردانی رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران را بر عهده گرفت و پرچم مبارزه برای اهداف ملت‌مان را افراشته نگه داشت.

ایشان که در مکتب مقاومت دمکرات پرورده شده بود وظایف خود را به گونه‌ای انجام داد که خسارت سنگین ناشی از فقدان دکتر قاسملو در حزب دمکرات کمتر احساس شود. همین موجب شد که رژیم ایران را به این باور برساند که باری دیگر به منظور تضعیف حزب دمکرات نقشه ترور دکتر شرفکندی را پی ریزی نماید.

در سپتامبر سال ۱۹۹۲ میلادی دکتر صادق شرفکندی در راس هیئتی به هدف شرکت در نشست در ۱۹امین کنگره اینترناسیونال سوسیالیست به آلمان سفر کرده بود. بعد از پایان کار کنگره اینترناسیونال سوسیالیست، به منظور بحث و گفتگو با تعدادی از شخصیت مخالف رژیم در آلمان در راستای تقویت مبارزه با رژیم ایران نشست را در رستوان «میکونوس» در برلن تشکیل داده بود.

در مورخ ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۷۱ خورشیدی برابر با ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۹۲ میلادی در حین گفتگو با شرکت‌کننده‌گان، دکتر صادق شرفکندی دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران، فتاح عبدلی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات و نماینده حزب در خارج از کشور، همایون اردلان نماینده حزب در آلمان و نوری دهکردی دوست دیرین حزب دمکرات کوردستان ایران در این رستوران مزبور مورد حمله مسلحانه تروریست‌های رژیم ایران قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

ما به آن اشاره کرده‌اند، ضرورت ایجاد یک جبهه یا ائتلاف سیاسی بیش از پیش احساس می‌شود. حزب ما آماده است و تلاش نموده است که با تمام جریان‌ها و سازمان‌های ایرانی که هدف آنان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن رژیمی دمکراتیک است که در آن حقوق ملیت‌های ایران تضمین شده باشد به گفتگو بنشینند و ائتلاف بوجود آورد.

واضح است که اتحاد احزاب مبارز کوردستان ایران در الویت این تلاش قرار دارد، به این دلیل که اتحاد نیروهای سیاسی کوردستان ایران حقوق ما را در مقابل هر گونه احتمالاتی در آینده کشور تضمین می‌کند.

درد بر شهیدان «میکونوس»
مرگ برای رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران
حزب دمکرات کوردستان اتران شورای سیاستگذاری
۲۵ شهریورماه ۱۴۰۰ خورشیدی
۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱ میلادی

اعتراضات مردمی بوده‌ایم و انتظار می‌رود اعتراضات گسترش یابند. رژیم که قادر به حل بحران‌ها و شرایط حاد اقتصادی و اجتماعی نیست، به مانند همیشه به سرکوب و خفقان روی آورده و در تلاش است با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم برای مدتی دیگر به حاکمیت خویش ادامه دهد.

اما بعد از ترور دکتر قاسملو، دکتر شرفکندی در پیام تجدید پیمان با او اعلام می‌کند: «دیر زمانیست که می‌گویند تن دادن به ظلم از خود ظلم بدتر است». اگر بخواهیم درس‌های دکتر قاسملوی رهبر را در یک درس خلاصه کنیم این است که باید به نیرو و توانایی‌های خود متکی باشیم. او به ما یادآوری می‌کند که اگر به اراده خویش تکیه کنیم و متحد باشیم، دارای پتانسیلی چنان بزرگی هستیم که پایه‌های حاکمیت ستمکاران را به لرزه در خواهد آورد و آنان را دام مرگ می‌افکند».

در چهارچوب بکارگرفتن این پتانسیل و نیرو که رهبران شهید

هموطنان گرامی!
رژیم از ابتدای روی کار آمدن، به منظور «صدور انقلاب» به خارج اقدام به تشکیل گروه‌های تروریستی در منطقه نمود تلاش هایش برای دستیابی به سلاح اتمی شروع کرد.

این سیاست رژیم همواره توام بوده با تهدیدهای آشکار علیه کشورهای منطقه. به همین دلیل بود که جهان آزاد علیه این سیاست موضع گرفت و چند سالی است تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی شدیدی علیه ایران وضع کرده‌اند. هزینه‌های این ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی ایران نه سران رژیم، بلکه مردم ایران باید بپردازند.

تبعات این تحریم‌ها در ایران بیکاری و فقر فزاینده برای مردم بوده است که روز به روز مردمان بیشتری را به زیر خط فقر سوق می‌دهد. این سطح از بیکاری و فقر ده‌ها پدیده خانمانسوز اجتماعی را به دنبال داشته است و در نتیجه این وضعیت فلاکت بار، بارها شاهد

در پی نداشته است.

مردم آزادیخواه کوردستان!

در مراسم تحلیف، «ابراهیم رئیسی» رئیس‌جمهور دست‌نشانده رژیم ایران که مبیایست در مورد کاستی‌ها و بحران‌های متعددی که گریبان کشور را گرفته‌اند راه‌حلهایی ارائه بدهد، بدون هیچ اشاره‌ای و ارائه راه‌حلی هایی مشخص برای حل این بحران‌ها که البته محصول سیاست‌های غلط رژیم بوده و ایران به سوی فاجعه سوق می‌دهند، رئیسی مستقیماً رفت سر اصل مطلب و هدفی که وی را برای تحقق آن دست‌نشان کرده‌اند و اعلام کرد: «او از میراث انقلاب محافظت می‌کند و برنامه‌های دولت خود را در چهارچوبی به پیش خواهد برد که مد نظر رهبر نظام میباشد». این نیز به معنای برخورد با هر صدای مخالف و ادامه‌دادن به سیاست سرکوب و خفقان و فعالیت‌کردن گروه‌های تروریستی و آشوب طلب در منطقه است.

چه کسانی مسئولان اصلی ترورها بودند؟ به مناسبت بیست و نهمین سالگرد ترور برلین یا میکونوس



در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ صادق شرفکندی (دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران)، فتاح عبدلی نماینده حزب در اروپا، همایون اردلان نماینده حزب در آلمان و نوری دهکردی از رهبران چپ ایران، ساکن برلین و از دوستان بسیار نزدیک قاسملو و شرفکندی در رستوران برلین (میکونوس) با شلیک مسلسل از سوی عبدالرحمان بنی‌هاشمی و تیر خلاص توسط عباس رحیل به قتل رسیدند. دادگاه بررسی این جنایت بزرگ حدود چهار سال طول کشید و در دهم آوریل ۱۹۹۷ رای خود را صادر کرد. آمران و عاملان این ترور چه کسانی بودند؟ اسناد به روشنی سخن می‌گویند از جمله متن بازجویی‌های مقام امنیتی فراری جمهوری اسلامی ایران، ابولقاسم (فرهاد) مصباحی معروف به شاهد «C» در دادگاه میکونوس که بخش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.



خدمت در واواک در لبنان کار می‌کرد و پس از بازگشت به ایران مسئول یک تیم عملیاتی برای امور خارج از کشور شد او در سرکوب مجاهدین بسیار موفق بود و از این رو سرانجام به بخش عملیات با زمینه اطلاعاتی منتقل شد. بعد در ترور ژنو به عنوان رئیس تیم ضربت شرکت داشت (مرادی طالبی، خلبان سابق که در ۱۹۸۸/۸/۱۰ در ژنو ترور شد) و مشهور شد و مقام و رتبه‌اش نزد رفسنجانی و خامنه‌ای بالا رفت. از آنجا که او فردی متعصب و در کارهایش موفق بود و کیفیت رهبری داشت، به عنوان یکی از فرماندهان دائمی تیم منصوب شد. مشخصات او [در زمان بازجویی از شاهد «C»]:

- اکنون، حدود ۳۸ تا ۴۰ ساله
- قوی‌هیکل با عضلاتی ورزیده
- گردن کوتاه و انگشتانی چاق
- صورت گرد
- گونه‌های تقریباً برجسته
- ریش پر و کامل، سیاه، تک و توک موهای سفید، مانند موهای سرش
- لب‌های کلفت، ابروهای پرپشت، چشمان و مژگان تیره، بینی متناسب با صورت، بدون علامت ویژه
- و ...

عبدالرحمان بنی‌هاشمی پس از ترور میکونوس از راه هوایی آلمان را از راه ترکیه به مقصد ایران ترک می‌کند. من این موضوع را در یک گفتگو شخصاً از خود او شنیدم من حدود سیزده ماه پیش با دو نفر از دوستانم به یکی از هتل‌های تهران رفتیم. هنگام ورود به هتل بنی‌هاشمی و پسر کوچکش درحال ترک هتل بودند. من تا این زمان شخصاً او را ندیده بودم، اما دو نفر همراه من او را خوب می‌شناختند. آنها به او سلام و شروع به گفتگو کردند. بنی‌هاشمی با ما به هتل برگشت. حدود نیم ساعت با هم نشستیم و قهوه خوردیم. در این میان گفتگو به مسئله کوردها در آلمان کشید. روشن بود که منظور دومین ضربه به رهبران حزب دمکرات کردستان ایران است. دو همراه من به او گفتند که می‌دانند او به خاطر شرکتش در این عملیات یک بنز ۲۳۰ پاداش گرفته است، اما بنی‌هاشمی تمایلی به صحبت دربارۀ پاداش نداشت. گفتگو تمام مدت حتماً تا خروجی هتل ادامه داشت. و بنی‌هاشمی واقعا با یک مرسدس آنجا را ترک کرد بنی‌هاشمی در معامله‌هایی که در سال ۱۹۹۱ [میلادی] شروع و در ۱۹۹۳ [میلادی] به انجام رسید و برای صدور تلفن‌های سیار شرکت نوکیا (Nokia) به ایران بود، شرکت داشت. مذاکرات در اینباره در آلمان و فنلاند انجام شدند و تحویل کالا نیز از سوی این دو کشور بود.

به نظر من بنی‌هاشمی باید در سال‌های ۹۱ [میلادی] و ۹۳

سال پیش ۳۰۰ ماشین سواری مرسدس بنز مدل ۲۳۰E وارد ایران کرد کمالی و ارشد پس از بازگشت به ایران شخصاً به فلاحیان گزارش دادند فلاحیان، عبدالرحمان بنی‌هاشمی را مأمور انجام ترور برلین کرد خانواده بنی‌هاشمی در نجف (عراق) با خمینی در تبعید بود. آنها حداقل سه برادرند: عبدالحمید فرمانده سابق یک واحد سپاه پاسداران که در جنگ ایران و عراق کشته شد، عبدالمجید که او نیز عضو سپاه پاسداران است و در لبنان فعال و دارای رابطه با حزب‌الله است و سرانجام عبدالرحمان که فرمانده تیم عملیات میکونوس بود.

اعضای تیم او اروپا را خوب می‌شناسند، اما اکثراً در ایران زندگی می‌کنند در زمانی که تاریخ دقیق آن برای من ناروشن است، عبدالرحمان بنی‌هاشمی به همراه تیم‌اش وارد آلمان می‌شود تا با شرایط و جزئیات، از جمله محل عملیات در رستوران میکونوس، آشنا شود و مقدمات اجرای عملیات را تدارک ببیند اعضای تیم ضربت از ظاهر شدن در انتظار عموم برای تهیه وسایل و محل سکونت پرهیز می‌کردند، آنها نه در هتل، بلکه در اماکنی که زندگی می‌کردند. مسئول این امور در هر جا، ایستگاه اطلاعاتی آن کشور است. ایستگاه‌های اطلاعاتی در آلمان، سرکنسولگری ایران در هامبورگ یا در فرانکفورت بودند. مسئول ایستگاه فرانکفورت بود. مسئول پست ایستگاه اطلاعاتی، سرکنسول سرکنسول‌ها کارمندان واواک هستند عبدالرحمان نام درست بنی‌هاشمی است و من نام دیگری در ارتباط با ترور میکونوس نمی‌شناسم ترور میکونوس با نام رمز «فریاد بزرگ علوی» اجرا شد به معنای فریاد (خواست) رهبر انقلاب (بزرگ علوی، خامنه‌ای) عبدالرحمان بنی‌هاشمی و دو برادرش در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ از بهترین کادرهای چمران وزیر دفاع سابق بودند. عبدالرحمان بنی‌هاشمی پیش از

جمع‌آوری اطلاعات درباره کردستان بود و امروز مدیرکل اجرایی یکی از شرکت‌های واواک به نام صمصام‌کالا است. واواک گزارشی را که توسط یکی از این سه نفر تهیه شده بود در اختیار «شورای امور ویژه» قرار داد، و شورا در سال ۱۹۸۸ قتل قاسملو را تصویب کرد که در ۱۹۸۹ به اجرا گذاشته شد. از آنجا که حتا با این اقدام هم حزب دمکرات کردستان متلاشی نشد، فلاحیان شخصاً در سال ۱۹۹۱ به هادوی (اندکی پس از تأسیس شرکت صمصام‌کالا و انتقال ظاهری او به آن شرکت) مأموریت داد تا درباره حزب جمع‌آوری کند و بر روی راه حل‌ها کار کند. دلیل انتخاب هادوی، تجربیات پیشین او بود. هادوی برای انجام مأموریت، در تابستان ۱۹۹۱ به آلمان آمد زیرا او می‌دانست و یا فکر می‌کرد بخشی از رهبری حزب دمکرات در اینجا ساکن است. او حدود دو یا سه ماه در آلمان ماند و پس از انجام مأموریت به ایران باز می‌گردد و گزارش خود را در اختیار فلاحیان می‌گذارد پس از این گزارش بود که در همان سال ۱۹۹۱ «شورای امور ویژه» تصمیم گرفت عملیاتی را که علیه حزب دمکرات در نظر داشت، در آلمان به اجرا در آورد. برای این کار یک شرکت پوششی دیگر واواک که نام آن را به یاد نمی‌آورم، وارد کار شد. کمالی مدیر اجرایی، و اصغر ارشاد، که من او را خوب می‌شناسم و دست راست فلاحیان است، عضو هیئت رئیسه این شرکت شدند. این دو نفر از اعضای عالی‌رتبه واواک هستند که حدود دو یا سه ماه پیش از ترور برلین همراه چند عضو دیگر واواک تحت پوشش یک هیئت تجاری به آلمان فرستاده می‌شوند. هدف آنها برنامه‌ریزی مشخص عملیات و ارائه گزارش به فلاحیان بود. هادوی در میان کوردها، حتا در آلمان، منابع شخصی داشت که مورد اعتماد کوردها بودند و به همین خاطر هادوی برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه انتخاب شد. درباره کمالی می‌دانم که او سه

شده از سوی رهبر از نظر قضائی صرف، به معنای پایه حقوقی و توجیه مذهبی قتل مورد نظراست، اما از نظر سیاسی تمام اعضاء «شورا» از چنین تصمیمی پشتیبانی می‌کنند. اگر به غیر از این باشد، حکم قتلی هم صادر نمی‌شود، یعنی موضوع اصولاً با رهبر در میان گذارده نمی‌شود. در مورد رفسنجانی (رئیس جمهور) چنین است که حکم قتل می‌بایستی به تأیید او نیز برسد من قبلاً گفتم که رهبر و رئیس جمهور معمولاً نمایندگان خود را به جلسات «شورا» می‌فرستند، تکمیل باید بگویم که این امر تنها مربوط به جلسات تدارکاتی است و در نشست‌های تصمیم‌گیری خودشان شخصاً حضور دارند نهاد و نیز ترکیب اعضای «شورای امور ویژه» توسط قانون مشخص نشده و فعالیت‌های آن صرفاً نتیجه «ولایت فقیه» است کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران از ابتدای درگیری‌های پس از انقلاب هدف سیاستی بود که می‌خواست ساختار سیاسی و سازمانی کردها، و بیش از همه حزب دمکرات کردستان ایران، را متلاشی کند. حکومت با این سیاست می‌خواست از اتحاد فرامرزی کوردها جلوگیری کند، امری که با توجه به شخصیت قاسملو قابل تصور بود فرمانده پاسداران در غرب ایران، کردستان، به مسئول اطلاعات و عملیات (آنجا) تیمسار غفور درجری گزارش داد که قاسملو قصد مذاکره دارد تا جو سیاسی را آرام کند. دولت نگران بود که قاسملو بتواند به این وسیله به یک عامل سیاسی جدی تبدیل شود و بعداً از میان بردن او مشکل شود. از این رو تصمیم گرفت او را در همان ابتداء تلاش از میان ببرد. به دستور «شورای امور ویژه»، در سال ۱۹۸۷ یا ۱۹۸۸، دو نفر از اعضای بخش اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران در کردستان به نام‌های جودی و جعفری، که من شخصاً آنها را نمی‌شناسم، با محمدهادی هادوی مقدم، که وی را شخصاً می‌شناسم، برای بررسی این مسئله ملاقات و گفتگو کردند. هادوی در آن زمان در واواک مسئول کسب و

حجازی
• رئیس جمهور یا پسرش محسن (هاشمی رفسنجانی)، به عنوان نماینده او
در جلسات عادی «شورا» معمولاً رهبر یا رئیس جمهور شخصاً حضور ندارند.
• مسئول امور سیاست خارجی، که ضرورتاً خود وزیر امور خارجه نیست، اما پس از شروع کار رهبر (خامنه‌ای) همان وزیر امور خارجه، ولایتی، است.
• وزیر اطلاعات و امنیت کشور، علی فلاحیان
• اولین وزیر واواک، ریشه‌ری، که اکنون مسئول دستگاه اطلاعاتی رهبر و از افراد محرم او است که برای دفتر رهبر فعالیت‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی انجام می‌دهد.
• محسن رضانی، فرمانده سپاه پاسداران
• سپهبد رضا سیفالله‌هی، رئیس نیروهای انتظامی
• آیت‌الله خزعلی، عضو شورای نگهبان و مسئول امور مذهبی شورا
پرسش: آیا تصمیم‌گیری برای قتل، یک تصمیم جمعی «شورای امور ویژه» است یا تصمیم تنها توسط رهبر (مذهبی نظام) گرفته می‌شود؟
پاسخ: اعضای «شورای امور ویژه» در درجه اول مشاوران رهبر هستند. تصمیم نهایی را رهبر به تنهایی اتخاذ می‌کند که در اینجا به اصطلاح نقش قاضی را دارد. رئیس جمهور، رئیس قوه قضائی، رئیس قوه قانونگذاری، و همچنین شورای انقلاب می‌توانند نقش «ناجی» را بازی کنند، یعنی درخواست کنند از اجرای حکم قتل چشم‌پوشی شود. در رابطه با حزب دمکرات کردستان ایران مشخص می‌دانم که (آیت‌الله) خمینی خودش شخصاً فرمان قتل قاسملو را صادر کرده بود. (آیت‌الله) خامنه‌ای، با تکیه به این فرمان (خمینی) دستو قتل دکتر شرفکندی را داد. دستور قتل در این مورد مشخصاً علیه شرفکندی بود و من نمی‌دانم بقیه قربانیان ترور ۱۷/۹/۱۹۹۲ (میکونوس) تا چه اندازه به نام مشخص شده بودند حکم قتل صادر

» پیش از تأسیس واواک در سپتامبر - اکتبر ۱۹۸۵ یکسری به اصطلاح گروه‌های بی‌نامی وجود داشتند که ترورهای خارج از کشور را اجرا می‌کردند و تصمیمات خود را تنها با خمینی در میان می‌گذاشتند و او بایستی آنها را تأیید می‌کرد. بدون تأیید خمینی عملیات انجام نمی‌گرفت پس از تأسیس واواک این گروه‌ها تحت نام «شورای عملیات ویژه» زیر نظر مستقیم وزیر اطلاعات و امنیت سازماندهی شدند پس از آنکه در سال ۱۹۸۹ سیدعلی خامنه‌ای رهبر نظام شد شورایی تحت نام «شورای امور ویژه» تأسیس شد که بر فراز حکومت و دولت قرار دارد. وظیفه این «شورا» تصمیم‌گیری در تمام امور مهم، یعنی درباره اموری است که خارج از حوزه اختیارات و وظایف ادارات دولتی است، زیرا در آنجا همواره رعایت جنبه‌های قضائی - دینی تصمیمات لازم است. تصمیم (در «شورا») تنها مربوط به قتل دگراندیشان نمی‌شود، بل برای مثال شامل بستن دفتر نهضت آزادی (بازرگان) هم شد که در حوزه اختیارات ویژه وزارت کشور بود تصمیمات «شورا» نوعی تعیین وظیفه برای دولت است که هم مجلس وهم دولت باید به آنها توجه کنند. «شورا» دارای اعضاء ثابت و متغیر است. غیرثابتها با توجه به موضوع مورد بررسی فرا خوانده می‌شوند. زمانی که در کمیته موضوع یک قتل مطرح می‌شود، تصمیم باید بدون استثناء به تأیید مقام رهبری برسد و بدون دستور او هیچکس اجازه اقدام ندارد. اعضاء ثابت «شورای امور ویژه» عبارتند از:
• رهبر مذهبی نظام یا نماینده‌اش

توهمی به نام اصلاح طلبی!



فکریتی فقط حفظ نظام نامشروع جمهوری اسلامی می‌باشد و افرادی هم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از این جریان حمایت و پیروی می‌کنند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم یاری به این خواست رژیم می‌رسانند.

در رابطه با این موضوع مطلب خود را با سخنان گرانبهای رهبر گرانقدرمان زنده‌یاد دکتر قاسملو به پایان می‌رسانم که خطاب به مردم کوردستان می‌فرمودند: خواهران و برادران عزیز، حزب دمکرات یک حزب سیاسی است، ما که از طرف دفتر سیاسی بیاننامه صادر کرده‌ایم برای این است که راه درست را به مردم نشان دهیم، تکلیفمان مشخص است فلسفه و دلیل لازم نیست برای هر انسان ساده‌ای هم مشخص است، یا در سنگر ملت هستید یا سنگر ملت را رها کرده‌اید و در سنگر دیگری قرار گرفته‌اید، تکلیف خودتان را روشن کنید از این دو یکی را انتخاب کنید، راه سومی وجود ندارد، از میان حق و باطل از میان ملت و دشمنان ملت باید راه خودتان را انتخاب کنید، یا با ملت هستید یا با دشمنان ملت!

اگر دم از اصلاح طلبی می‌زنند هدفشان بقای رژیم و عبور از مشکلات و همچنین شرکت دادن

اسلامی در چهار دهه‌ی اخیر با اعمال جنایتکارانه‌ی خود نسبت به ملیت‌های تحت ستم در جغرافیای

به میان آمده و در مواردی نیز از این توهم بزرگ حمایت پراکتیکی صورت گرفته است.

پرشش های بسیار زیادی در این رابطه از کسانی که در جریانات سیاسی مبارز کوردهی حضور دارند و امروزه از اصلاح طلبی حمایت می‌کنند به میان می‌آید برای نمونه؛ توهم اصلاحات چگونگی می‌تواند رژیم جنایتکاری را که سالهاست انواع جنایات را در حق ملت کورد انجام داده است را وادار به فراهم ساختن حق و حقوق ملتی کند که به عنوان شهروند درجه ۲ شناخته می‌شود، آیا چهار دهه اعمال جنایتکارانه‌ی رژیم و کشتار و جنایات ضدبشری علیه ملت کورد هنوز شما را به قناعت

یهودی، زرتشتی و...، تصویب و اجرای قوانین عصر حجری، سنگسار کردن انسانها و قطع دست و پا و انگشت هزاران زن و مرد، اسید پاشی بر روی زنان بدحجاب و هزاران جنایت دیگری که رهبران جمهوری اسلامی در طی حکومت چهل و دو ساله خود در ایران و خارج از ایران انجام داده‌اند. این تنها گوشه‌ای از جنایات رژیم خونخوار جمهوری اسلامی می‌باشد که امروزه بانیان و انجام دهندگان این جنایات غیر انسانی با نام اصلاح طلبی توهمی در ذهن افراد جامعه پدید آورده‌اند که گویا این رژیم قابل اصلاح است. متأسفانه تفکر اصلاح طلبی در میان برخی از فعالان و جریانات

پیشوا صالحی

استارت جناح اصلاح طلبان جمهوری اسلامی پس از اتمام دوره ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی و با پیروزی در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ خورشیدی و با انتخاب محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور وقت، زده شد. از آن دوران تا به امروز حاکمیت با ایجاد توهم از طریق اصلاحات، جامعه را فریب داده و در بسیاری موارد رژیم نامشروع جمهوری اسلامی را از بحرانها نجات و مانع سرنگونی آن شده است.

برای راستی آزمایی در مورد این معقوله ابتدا باید به ساختار رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران و سپس به پیشینه‌ی شخصیت هایی پرداخته شود که مهره‌های اصلی و گردانندگان این جناح می‌باشند.

رژیم نامشروع جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ با سوار شدن بر موج انقلاب ملیت های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران و در پی یک همه پرسی فریبکارانه در فروردین سال ۱۳۵۸ به قدرت رسید.

در طول ۴۲ سال حاکمیت، این رژیم ضد بشری جنایات بسیاری را علیه بشریت مرتکب شده است، برای نمونه اعلام و اجرای حکم جهاد علیه کوردها، کشتارهای کوردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و خوزستان، کشتارهای دهه ۶۰، کشتار چندین هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷، ترور رهبران کورد و شخصیت های سیاسی، قتل های زنجیره‌ای، اعدام صدها تن از پیروان ادیان بهایی، مسیحی،

رژیم نامشروع و ضدبشری جمهوری اسلامی در چهار دهه‌ی اخیر با اعمال جنایتکارانه‌ی خود نسبت به ملیت‌های تحت ستم در جغرافیای سیاسی ایران گستاخانه به جهانیان نشان داده است که ساختار و اعمال رژیم قابل اصلاح نیست و نخواهد بود و اگر اصلاحی هم در کار باشد فقط اصلاح در شیوهی کشتار و نقض حق و حقوق مردم می‌باشد نه چیز دیگری!

مردم در انتخاباتهای نمایشی است، افرادی که در جریانات سیاسی مبارز فعالیت می‌کنند و امروزه به حامیان و طرفداران

سیاسی ایران گستاخانه به جهانیان نشان داده است که ساختار و اعمال رژیم قابل اصلاح نیست و نخواهد بود و اگر اصلاحی هم در

نرسانده است که این رژیم قابل اصلاح نیست؟ جریان اصلاح طلبی که در اصل توهمی بیش نیست از لحظه‌ی پیدایش تا به امروز چه

سیاسی اپوزیسیون رژیم نیز پدیدار گشته است به گونه‌ای که برخی از این افراد آنچنان در توهم اصلاح رژیم غرق شده‌اند که در

بدون شک فکر و اندیشه‌ی اصلاح‌طلبی در اتاق فکرهای رژیم تروریست جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی شده است و هدف اصلی از ایجاد چنین جریان و فکریتی فقط حفظ نظام نامشروع جمهوری اسلامی می‌باشد و افرادی هم که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه از این جریان حمایت و پیروی می‌کنند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم یاری به این خواست رژیم می‌رسانند.

جریان اصلاح طلبی تبدیل شده‌اند هدفشان چیست؟ بدون شک فکر و اندیشه‌ی اصلاح‌طلبی در اتاق فکرهای رژیم تروریست جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی شده است و هدف اصلی از ایجاد چنین جریان و

کار باشد فقط اصلاح در شیوهی کشتار و نقض حق و حقوق مردم می‌باشد نه چیز دیگری! حال با وجود شفافیت در این زمینه پرسش تأمل برانگیز این است که، جنایتکاران و جلاان رژیم تروریستی جمهوری اسلامی

تغییراتی در ساختار رژیم پدید آورده است، آیا جنایتکارانی که در کشتار میلیونها نفر از مردم دست داشته‌اند و در آینده نیز دست خواهند داشت می‌توانند از اعمال جنایتکارانه‌ی خود دست بکشند؟ رژیم نامشروع و ضدبشری جمهوری

قبال جنایات رژیم که روز به روز در حال افزایش می‌باشد چشم و گوششان کور و کر شده است! متأسفانه در سال های اخیر در برخی موارد تفکر اصلاح طلبی در میان جریانات سیاسی مبارز کورد نیز توسط برخی از فعالان سیاسی

هرندی همیشه تقریباً در این زمان از خانه خارج می‌شد. در این عملیات یک زن هم شرکت داشت. پلیس با مراقبت در ساعت شش به درست بودن اطلاعات پی برد و سپس سوء قصدکنندگان را در ساعت هشت دستگیر نمود و اسلحه‌ها را نیز پیدا کرد. در مجموع هفت نفر دستگیر شدند. پنج نفر بطور مستقیم در رابطه با عملیات و دو نفر بعداً از جمله آن خانمی که گفتیم. یک ماه بعد، من به رئیس تیم که آزاد شده و در سوئد بود برخورد کردم. در این ملاقات او به من گفت که موضوع از سوی ایرانی‌ها لو رفته است رئیس تیم (ترور) و معاونش تبعه فرانسه بودند. یکی الجزایری به نام گواسمی و دیگری مراکش‌ی بود که نامش در خاطر من نیست».

فرمانده تیم کلمه به کلمه به تهران اطلاع دادم که «ما می‌خواهیم جشن را فردا به راه بیاندازیم» من خود شخصاً پاسخ را از موسوی‌زاده دریافت نمودم و به تیم دادم، «شش بگیرید. امیدوارم خوش بگذرد».

در شب اجرای قتل، من بطور ناشناس، به پلیس انگلستان تلفن کردم و به صورت زیر سوء قصد جاری را اطلاع دادم: «فردا حدود ساعت شش صبح دو نفر عرب چاق، یکی از آنها بسیار چاق، پیاده خیابانی را که در آن خانه هرندی (هادی خرسندی) قرار دارد طی خواهند کرد (آدرس را دادم). آنها می‌خواهند حدود ساعت هشت هرندی را به قتل برسانند». زمان سوء قصد حدود ساعت هشت تعیین شده بود چون

گرچه من فرمانده تیم نبودم این مورد مربوط می‌شود به ترور خسرو هرندی (هادی خرسندی) که در لندن زندگی می‌کرد. در آن زمان محمد موسوی زاده معاون ریشه‌ری وزیر وقت واواک با یک فتوکپی از فرمان قتل به شهر دوسلدرف آمد. در آنجا، من در حضور او با فرمانده مسئول این سوء قصد و معاونش ملاقات کردم. چون آنها هر دو عرب بودند و فارسی نمی‌دانستند، اما فرانسه صحبت می‌کردند، من در مذاکرات میان آنها با موسوی‌زاده مترجم بودم و فرمان قتل را ترجمه کردم. ما به زبان فرانسوی حرف می‌زدیم که من بر آن تسلط دارم موسوی‌زاده در این گفتگو بیان داشت که فرمان قتل باید به اجرا درآید و هر تأخیری گناه است. من در تدارکات این سوء قصد شرکت داشتم. در اتریش، عکس فردی که باید ترور می‌شد (هادی خرسندی) و نیز پول لازم را سفارت ایران در وین در اختیار ما گذاشت که من آنها را به تیم سوء قصد کننده دادم. بعلاوه، من در گرفتن دستور اجرای سوء قصد (نام رمز انجام عملیات) از واواک در تهران و انتقال آن به تیم همکاری کردم. به اینصورت که در آنزمان- باز هم به دلیل زبانی- بنا بر در خواست

زیرا آنها با من هم‌عقیده هستند که باید به این دیوانگی‌ها خاتمه داد. موضع علنی آنها، عدم اظهار نظر و با احتیاط است من در ابتدا در این فکر نبودم که اطلاعاتی درباره ترور میکونوس دریافت کنم چون اهمیت خاصی برایم نداشت. از اطلاعاتی که به دست می‌آوردم از این موضوع نیز مطلع می‌شدم. تا کنون، اصولاً ما عادت کرده بودیم که عملیات تروریستی ما در خارج با سکوت کشورهای مربوطه همراه باشد. در مورد میکونوس برای اولین بار بود که چنین واکنشی به وجود آمد این اطلاعاتی که من در اینجا در اختیار شما گذاشتم، در یک مدت طولانی و تکه تکه به من رسید و نه به صورت یک خبر منسجم من هیچ نوشته‌ای درباره ترور میکونوس ندیده‌ام. امکان دارد هیچ نوشته‌ای هم وجود نداشته باشد. چون تمام مسائل شفاهی حل و فصل می‌شوند. تنها نوشته، فرمان قتل از سوی رهبر است و آن را تنها رئیس تیم می‌بیند. چون این فرمان برای او توجیه قضایی و مذهبی است.

خود من شخصاً، در مورد دیگری، چنین فرمان قتلی را که با امضای خمینی بود، دیده‌ام،

یک مقام عالی‌رتبه واواک، مدیرکل و عضو سابق ایستگاه اطلاعاتی واواک در لبنان است او با همین عنوان در سفارت ایران در بیروت کار می‌کرد او در زمان ترور میکونوس به ایران بازگشته بود و در پست فعلی‌اش کار می‌کرد. او از دوستان نزدیکی عبدالرحمان بنی‌هاشمی و یکی از دو نفری بود که در دیدارم در هتل با بنی‌هاشمی که دیروز شرح دادم، همراه من بود منبع چهارم من رابطه خانوادگی نزدیک با فلاحیان دارد، اما خوشاوند او نیست در محافل مطلع تهران این یک سر آشکار است که این فرد آدم فلاحیان است و همه می‌دانند حرفی که او می‌زند همان حرف یا نظر فلاحیان است. این منبع در رابطه با ترور میکونوس، با ارشد و کمالی ارتباط داشته است. هرچه من در این مورد گفته‌ام از این منبع بوده است منبع پنجم در ترور میکونوس دارای مسئولیت‌هایی، هر چند نه اجرایی بود تمام این منابع از خروج من خبر دارند و پس از آن سعی کردند توسط مدیر دفترم در تهران با من تماس برقرار کنند.

آنها در مورد فرار من دو نوع موضع خواهند گرفت: موضع حقیقی و واقعی آنها مثبت است

ادامه صفحه ۵

[میلادی] برای انجام امور این معامله به آلمان سفر کرده باشد. این معامله با مشارکت وزارت پست ایران انجام گرفت که غرضی رئیس آن معمولاً برای واواک کارهای خدماتی انجام و به فعالیت‌های آن را پوشش می‌داد. من اطلاعاتم در این زمینه را به هنگام آن ملاقات ذکر شده در بالا با بنی‌هاشمی در یکی از هتل‌های تهران، زمانی که همراهانم از او پرسش کردند، شنیدم اطلاعات من درباره ترور «میکونوس» در مجموع از پنج منبع است که با توجه به خطرات زیاد برای آنها، در اینجا با شماره‌های یک تا پنج از آنها نام می‌برم، اما حاضرم تمام مشخصات این منابع و همچنین امکان تماس با آنها را در اختیار دادستان کل قرار دهم.

منبع شماره یک در شورای امنیت ملی کار می‌کند منبع شماره دو به آقای ریشه‌ری بسیار بسیار نزدیک است من توسط او اطلاع یافتم که فلاحیان از سوی «شورای امور ویژه» به عنوان مسئول اجرایی عملیات علیه رهبران حزب دمکرات کوردستان ایران تعیین شده است منبع سوم،

منبع:

«برگرفته از متن بازجویی‌های مقام امنیتی فراری جمهوری اسلامی ایران، ابولقاسم (فرهاد) مصباحی معروف به شاهد «C» در دادگاه میکونوس؛ توسط دادستانی مسئول پرونده، مورخ ۱۹۹۶/۹/۲۵، ۱۹۹۶/۹/۲۶ و ۱۹۹۶/۱۲/۱۲، که در شهر مکنه‌ایم (Meckenheim)، به شماره پرونده ۲۸۹۵/bJS در این نوشته: یکم، تمامی آنها برای سهولت در خواندن حذف شده و دوم، مطالب مربوط به یک موضوع از بخش‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار داده شده تا انسجام لازم به دست آید و خواننده بتواند آنها را به راحتی پیگیری نماید بدون آنکه به اصل پاسخ‌ها خللی وارد شده باشد. «نگاه شود به کتاب «ترور به نام خدا»؛ پرویز دستمالچی؛ نشر مهر؛ چاپ دوم؛ ۱۳۹۹؛ لندن؛ انگلستان

روحانیون در کمین قدرت



پرویز جباری

بخش چهارم

های دیگران تحت عنوان مذهب رهائی بخش در جهان سوم، دچار یک نوع کارکرد ابزارگرایانه از دین (مذهب) می شود. ایشان عقیده دارد که اسلام شیعی، یک ایدئولوژی مناسب برای بسیج سیاسی، و تئوری عمل برای مبارزه می باشد. «منوچهر هزارخوانی از فعالین و مبارزین چپ مذهبی نقل می کند که آل احمد خطاب به ایشان می گوید: « شما [چپ ها]، چطور نمی فهمید که سلول های حزب کمونیست را باید در داخل مسجدها، تشکیل داد؟ الجزایری ها، که نه مثل شما مسلمان متعهد بودند و نه کمونیست متعهد، این را فهمیدند و برنده شدند.» (همان، ص ۱۱۸). « حمایت و توجه آل احمد به اسلام بیشتر، در برابر سیاست و غرب گرای رژی بود. بازگشت به اسلام به عنوان کانون مبارزه و بسیج توده ها، بیشتر از آنکه جنبه مذهبی داشته باشد، سیاسی بود. او ریشه های فرهنگ و پیوندهای درونی مردم ایران را در اسلام یافته بود.» (نیکو، آر. کدی، ریشه های انقلاب ایران، ص ۳۰۵)

هرچند از حزب توده به صورت تشکیلاتی و سازمانی فاصله گرفته بودف با این حال به شدت تحت تاثیر سال های فعالیت خود به عنوان عضو فعال قرار داشت. روش و شیوه های چپ گرایانه برای نفوذ و ایجاد موج در جامعه را از کردیدور مذهب جستجو می کرد. این تأثیر و بازگشت به اسلام به عنوان ابزار سازماندهی و مخالفت با غرب، باعث انسی شتاب زده با نمادهای شیعه و بهره برداری از آنها شد. هرچند آل احمد به اسلام شیعی صفویان برای حفظ هویت و استقلال ایران تأکید داشت با این حال برای مبارزه با امپریالیسم و استبداد داخلی هم به اسلام شیعی و روحانیون دینی نظر داشت. و اینان را نجات بخش جامعه می داند. ایشان جنازه شیخ فضل... نوری مبدع مشروطه مشروعه را که در کنار استبداد برای مخالفت و سرکوب اندیشه های مشروطه قرا گرفت، را بر سر دار، پرچم بیگانه پرستی، روشنفکران می داند. هر چند آل احمد با ادبیات چپ نتوانست از منابع و ذخایر تاریخی و فقهی تشیع و اسلام برای ایدئولوژی اسلامی بهره بردار بیشتر و نهایی کند، اما زمینه ها و بستر پرداختن به اسلام و ظرفیت های آن را برای تبدیل شدن به ایدئولوژی مبارزه به دیگر روشنفکران دینی و روحانیون و اسلام گرایان واگذار کرد. «نیکو، آر. کدی در ریشه های انقلاب ایران عقیده دارد که پس از مرگ آل احمد، شرعیتی آن بخش از کار او را که عبارت از بیان مواضع و اندیشه های اسلام در پاسخ به مقتضیات دنیای جدید بود بر عهده گرفت.» (نیکو، آر. کدی، همان، ص ۳۰۵)

روحانیت سوار کند. «بنابراین، خاطره جمعی شیعیان، نمادهای برتر رنج، بی عدالتی، پایداری، قیام و استقرار نهایی، «صلح مهدی بر حق» جوهره تقوای عمومی را تشکیل می دهد.» (امیراحمدی، همان، ص ۲۹) سرخوردگی از تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی ایران از راه روش ها و مفاهیم خاص انقلاب اجتماعی غرب باعث می گردد که در میان نیروهای تحول خواه و روشنفکری حرکتی بومی گرایانه شروع شود. حرکتی که در عمل و تئوری بعدها در قالب سازمانهای سیاسی و انقلابی تبلور پیدا کرد. در این میانه برخی از این بومی گرای ها به دامن اسلام به عنوان سنت و فرهنگ منتهی می شود که در نهایت افسار و منابع آن در دست همان علما و روحانیون است که با تفسیر نوین و سیاسی و نیز رادیکال از دین در حال بازسازی خود برای کسب قدرت در جامعه هستند. در همین راستا «آل احمد در نیمه دوم دهه چهل از مارکسیسم به عنوان مکتب رهایی بخش فاصله می گیرد. به تشیع و ایدئولوژی اسلامی رجوع می کند. به نوعی می توان گفت: آل احمد، علما را نیرویی می داند که می توانند موجب انجام و تحرک توده ها و نیروهای سیاسی در برابر غرب و حاکمیت باشند. ایشان بر این عقیده اصرار می ورزید که علما همچون پایگاه های محکم و استواری هستند که می توانند از هویت ایران-اسلام که در وجود آنها و تشیع مشخص بود، حمایت و صیانت کنند آل احمد همواره در جاهای مختلف اشاره به این می کند که «ریشه سنت من اسلامی است.» (باری روزن، انقلاب ایران. ایدئولوژی و نماد پردازی، ترجمه سیاوش مریدی، ص ۶۹)

آل احمد در کتاب «غرب زدگی» که حمله ای آتشین علیه غرب زدگی فرهنگ ایرانی است، بازگشت به خویشتر را بیان می کند. که از دیدگاه آل احمد، همان ایدئولوژی اسلامی است. «ایشان اسلام شیعه را عنصری تفکیک ناپذیر از هویت ایرانی قلمداد می کرد. از این رو، او تجدید حیات اسلام شیعه را مؤثرترین «واکسن» در برابر بیماری واگیر غرب زدگی تشخیص می داد و روحانیون را با صلاحیت ترین «پزشکان» تلقی می کرد. که می توانند این واکسن نجات دهنده هویت را فراهم سازند.» (مهرزاد بروجردی، همان، ص ۱۱۸) آل احمد با پرداختن به ویژگی ها و توانائی های علما و روحانیون، تلاش کرد تا براساس آموزه های مارکسیستی و روش شناسی آنها، مذهب را که پیوندهای فرهنگی، اعتقادی، سنتی، عاطفی و تاریخی را با مردم ایران دارد، به عنوان ایدئولوژی و نیروی عمل از میان مذهب شیعه ایجاد نماید. ایشان با روی آوردن به مذهب به نقش اسلام سیاسی و مبارز بیشتر از گذشته علاقمند شد. به نوعی، با بهره گرفتن از تجربه

فساد، تامین آزادی های اساسی، تشکیل يك دولت اصیل اسلامی، دولتي «دموکراتیک» و متفاوت با سایر دولتهای اسلامی خود ساخته سخن می رانند.» (یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ۴۴۱)

در این مسیر روحانیون، اسلام گرایان و برخی از روشنفکران با گرایش چپ از مفاهیم سنت و رسالت دینی در برابر غرب و نظام سلطنتی وابسته به آن با شکل دادن به اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه روی آوردند. روند ایدئولوژیک شدن اسلام گرای با تأکید بر جنبه های انقلابی اسلام و کارکردهای آن به عنوان یک ایدئولوژی پویا و فعال باعث گردید که از مفاهیم سیاسی اسلام در جهت حرکت و تعالی براساس باز تفسیر نمادها، آموزه ها، مفاهیم، اسوه ها و شخصیت های اسلامی، حوادث تاریخی صورت گیرد که ضمن باز سازی مذهب، آن را در قالب یک ایدئولوژی ظاهر نماید

درفرآیند وارد کردن دین به عنوان نیروی عمل گرا با روحیه رادیکال و چپ نما اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی ساز جلوه گر شد. در این ایدئولوژی، اسلام، مکتبی توحیدی معرفی می شد که غنای مفهومی و محتوایی آن، تمام زوایا و زمینه های زندگی انسان و شئون فردی، اجتماعی، مادی و معنوی او را در بر می گرفت.

این تفسیر و برداشت ایدئولوژیک از اسلام تمام بخش های فردی و خصوص افراد را در بر می گیرد، مرز میان حوزه های فردی و اجتماعی افراد از میان برداشته می شود. با همین نگاه در دهه چهل است که جلال آل احمد تلاش می کند با بکارگیری مفهوم «غرب زدگی» یک نوع بازگشت به خود و سنت را با تأکید بر نقش و کارکرد روحانیون را وارد تحولات سیاسی و اجتماعی کند. این همان بستر سازی و ایجاد رسالت برای روحانیون است برای کسب قدرت سیاسی در ایران.

جلال آل احمد یکی از روشنفکران برجسته دهه ۴۰ می باشد که بر احیای تفکر سیاسی شیعه، تأثیری عمیق گذاشت. عقیده دارد که مذهب تشیع، از تمامی عناصر مربوط به یک ایدئولوژی رهایی ساز و ترقی خواه برخوردار است و همچنین قادر به خنثی کردن سلطه غرب در ایران، درمان بیماری های از خود بیگانگی تحصیل کردگان ایرانی و حفظ هویت و میراث تاریخی است.» (محسن میلانی، شکل گیری انقلاب اسلامی، ص ۵۴)

جلال آل احمد، روحانیت تشیع را به اعتبار دفاع از سنت، نوعی قدرت مقاوم در مقابل هجوم استعمار می دانست. زیرا حامل دینی است که با توجه به اصول اساسی آن، می توان در برابر غرب به دفاع و مبارزه پرداخت. امیر احمدی عقیده دارد که، یکی از چهره های اصلی که جایابی از بستر نمادین سکولار به اسلامی

سیاسی و تبلیغی خود بهره برداری می نمایند. در واقع در دهه ۴۰ و ۵۰ بخشی بزرگ جامعه روحانیت و همکاران غیر روحانی آن به مبارزه با بی سروصدا دست زده بودند که درس خواندگان و نیز مردم محروم را هدف گرفته بود. در این سالها توسط گروه هایی چون نهضت آزادی که پلی میان طبقه متوسط مذهبی و روحانیون بودند. با روحانیون اصلاح گرا و معتقد به «فقه پویا» خرده فرهنگ مذهبی شکل گرفته بود که با برنامه ها و سیاست های فرهنگی و ایدئولوژیک سیستم درگیر می شدند و سیاست های فرهنگی و اجتماعی سلطنت را به چالش می کشیدند. که در نهایت «انقلاب ۱۳۵۷» تحت رهبری روحانیت و فرداستی ایدئولوژی اسلامی پیروزی می شود. روحانیت در سال ۱۳۵۶ صفوفش را پشت سر آیت... خمینی مستحکم می نماید. تا جایی که ایشان فراتر از یک مرجع تقلید شیعه نقش فرادست را در این مبارزه به دست می گیرد. به عنوان رهبر اسلام گرای سیاسی و انقلابی در این دوره با تبیین قرائت خاصی از اسلام که با عواطف شدید ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردمی متناسب بود، رهبری حرکت مردمی را به دست گرفت. مردم گرای که خمینی در این دوران عرضه کرد، ترکیبی نو آورانه از گفتار محافظه کارانه و چپ گرایانه بود. با تسلط کامل به زبان تشیع شکل گرفته بود. زبانی که برای برانگیختن و متحد کردن طبقات متوسط و پایین شهری تحت یک رهبردینی مقتدر، کاملاً مناسب بود.» (افشین متین، از سوسیال دموکراسی تا سوسیال دموکراسی، نشریه گفتگو، بهار ۱۳۸۰، ص ۴۸)

اسلام گرایان و نیروهای نزدیک به آنها در تلاش بودند تا ایدئولوژی اسلامی را از دل سنت و منابع تاریخی و ظرفیت های دستگاه دینی روحانیت و شیعه ایجاد نمایند. ایدئولوژی که در اساس در خدمت اهداف و سیاست های روحانیون برای کسب قدرت سیاسی بود. خمینی بر این بخش از دین اسلام تأکید می کند که مسائل سیاسی دین و مذهب شیعه بیش از مسائل عبادی آن است. صراحتاً استقرار يك حکومت اسلامی را برنامه و سیاست خود اعلام می کند، در قالب سیاست های ملاحظه کارانه که متناسب با شرایط و اوضاع روز و افکار عمومی باشد. خمینی با بهره گرفتن از سنت تقیه در تشیع از روحیه ایثار، مقاومت، مبارزه و انتلاف انقلابی، همراهی نخبگان مدرن و روشنفکر و حمایت توده ها و طبقات مختلف بهره مند گردید. آبراهامیان «عقیده دارد که آیت... خمینی براساس استراتژی دوران مبارزه در این سالها همواره از کلیاتی مثل بیرون انداختن امپریالیست ها، مستقل کردن کشور، تامین «عدل اسلامی» برای تهیدستان، کمک به کشاورزان، حمایت از طبقه کارگر، بالابردن سطح زندگی، ریشه کن کردن

در راستای اهمیت پیدا کردن اسلام، به ویژه اسلام شیعی به عنوان ایدئولوژی سیاسی مبارزه، روحانیون، روشنفکران و اسلام گرایان غیر روحانی در بخش های مختلف سیاسی، اجتماعی و آموزشی به سازمان دهی و جذب نیرو پرداختند. این زمان مصادف بود با شکل گیری جنبش های مبارزاتی دانشجویان و فعالین سیاسی در قالب مبارزات چریکی که به نوعی می توان گفت آغاز گر آن دانشجویان انقلابی و مبارز کردستان بودند. حرکت نیروهای سیاسی به سوی مبارزه مسلحانه، در دهه ۴۰ و ۵۰ و تلاش گسترده برخی از روشنفکران چپ برای بهره برداری از نیروهای اجتماعی با گرایش دینی به حوزه های مختلف در ادبیات، سینما، هنر، کتاب و غیره کشیده شد. بسیاری از روشنفکران چپ و غیر دینی از پتانسیل نیروی اجتماعی مذهب به نوعی برای حرکت اجتماعی توده ها استفاده کردند. این موضوع در کنار پتانسیل، زبان و امکانات گسترده ای که روحانیون از نهاد دین و قرائت سیاسی که از آن در اختیار داشتند در ایجاد نارضايتی و بسیج توده ای به نفع اسلام گرایان و روحانیون مورد بهره برداری قرار گرفت. می توان این طور گفت که اتفاق و اتحاد غریبی شکل گرفته بود. اسلام گرایان سیاسی و چپ گرایان در برخی زمینه ها به همدیگر رسیده بودند و یک اتحاد نانوشته و ناخواسته را بین خود بسته بودند. از یک سو سنت و دین در برابر غرب و رژیم غرب گرای پهلوی قرا گرفته بود و از سوی دیگر دیدگاه مارکسیستی در برابر غرب امپریالیست. در اوج مدرنیزاسیون نظام پهلوی، بخش تحصیل کرده و آموزش دیده ایرانیان در قالب کنفدراسیون دانشجویان تا احزاب و سازمان ها، مبارزه با امپریالیسم، نفی سلطنت، بازگشت به خویشتن و اصالت و هویت فرهنگی - دینی گذشته را طلب می کردند. که در این راه روشنفکران ترقی خواهان و مدرن گرایان چپ هم پیشاهنگ کاروان شده بودند. کاروانی که بنا به دلایل مختلف ساریان آن یک روحانی ارتجاع گرا و محافظه کار دینی بود که در یک چهره انقلابی و مدرن ظاهر شده بود. نیروهای اسلام گرا در فضایی قرار می گیرند که فعالیت های تبلیغاتی، دینی، فکری و اجتماعی خود را میان جوانان، مساجد، دانشجویان و دانشگاهها به شیوه های مختلف صورت بندی می کنند. آنان از عناصر مختلفی از فرهنگ شیعی، عقاید و مناسک مذهبی، موقعیت مالی و تبلیغی حوزه ها، مراسم و مناسبات دینی جهت تبلیغ و آموزش برنامه های



شرفکندی مبارز قاطع و بادرایت

